

حمایت از مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط در محیط مجازی

۱۱۵

محمود صادقی*
یوسف خلیج**

تاریخ تأیید: ۱۳۸۶/۱۱/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۸۵/۱۲/۲۲

فقه و حقوق / سال چهارم / شماره ۱۵ / زمستان ۱۳۸۶

چکیده

انتشار الکترونیکی آثار ادبی و هنری و حقوق مرتبط، که به دو صورت عرضه آنها در اینترنت و دیجیتالی نمودن آنها، به طوری که در دیسک‌ها و یا سایر حامل‌های الکترونیکی به وسیله ابزارهایی مانند: رایانه، تلفن همراه و... قابل استفاده شوند، خطرات زیادی برای صاحبان آثار ایجاد کرده است. در نتیجه لازم است قانونگذار و دانشمندان حقوق، قواعد و مقررات مناسبی برای حل معضلات پیش آمده در عصر اطلاعات و دیجیتال وضع کنند.

واژگان کلیدی: حقوق مالکیت فکری، تجارت الکترونیکی، شبکه‌های اطلاع‌رسانی الکترونیکی، حقوق اینترنت، حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط در شبکه‌های رایانه‌ای.

* استادیار دانشگاه تربیت مدرس (Sadegh_m@modares.ac.ir).

** کارشناس ارشد حقوق خصوصی (گرایش حقوق مالکیت فکری)، وکیل دادگستری،

(josefkhaolaj@hotmail.com).

پیدایش رایانه، تبعات و اثرات فوق‌العاده‌ای در زمینه‌های مختلف اقتصادی، علمی و ... داشته است. در عین حال، اتصال رایانه‌ها به وسیله خطوط کابلی و یا تلفن به یکدیگر، که پدیده‌ای نوظهور است و معمولاً شبکه جهانی اینترنت را تشکیل می‌دهد، بستری است که مسائل و موضوعات گوناگونی در حقوق و خصوصاً حقوق مالکیت فکری ایجاد کرده است. زیرا هرچه در فضای مجازی رایانه‌ها که همان محیط عملکرد آنهاست وجود دارد و کلیه موضوعات و اطلاعاتی که در ارتباط با اتصال رایانه‌ها به یکدیگر مطرح می‌شود و همچنین وسایل و تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری که این تبادل و ارتباط را فراهم می‌سازد، هر یک به نوعی با شاخه‌های مالکیت فکری مرتبط است. البته ممکن است برخی از آنها به‌طور کامل مورد حمایت قرار نگیرند، ولی عناصر تشکیل‌دهنده اثر و محصول مورد حمایت، در آنها به خوبی قابل ملاحظه است. در این مقاله، بخشی از مسائل و موضوعات مهم در رابطه با اینترنت و حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط (کپی‌رایت)، بررسی شده است و در آن به آثار مورد حمایت در شبکه‌های رایانه‌ای و عرضه الکترونیکی آثار و حقوق صاحبان آثار، ضمانت اجراهای نقض حقوق و استثنائات وارد بر حقوق صاحبان آثار پرداخته شده است. منظور از شبکه‌های اطلاع‌رسانی الکترونیکی که در این مقاله با واژه‌های محیط مجازی یا محیط دیجیتال مترادف به کار رفته است، شبکه‌های مجازی هستند که با اتصال شبکه‌های متعدد رایانه‌ای ایجاد شده‌اند و اینترنت، به‌عنوان مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین نوع شبکه‌های رایانه‌ای لحاظ شده است. منظور از شبکه، گروهی از رایانه‌ها هستند که به وسیله خطوط کابلی یا تلفن، به یکدیگر متصل شده‌اند.

برقراری حمایت از آثار فکری در شبکه‌های رایانه‌ای (محیط مجازی)

گروهی از حقوقدانان غربی مخالف با حمایت آثار فکری، در شبکه‌های رایانه‌ای هستند. این گروه، ادعا می‌کنند که فلسفه راه‌اندازی شبکه‌های دیجیتال (خصوصاً اینترنت) گسترش و توسعه دانش و فن بوده است و این امر با حمایت از اطلاعات و مطالب موجود در شبکه‌های به هم پیوسته الکترونیکی سازگاری ندارد، زیرا حمایت، موجب

ایجاد مانع در دسترس به اطلاعات خواهد شد. این مکتب استدلال می‌کند که استفاده منصفانه و همچنین اعمال نظریه اولین فروش (first sale) [که براساس آن با فروش اثر، خریدار، دارای حقوقی مانند: انتقال آن به غیر، عدم استفاده از آن، از بین بردن آن و... می‌شود]، در محیط دیجیتالی قابل اعمال نیست (Kristensen, 2002: 27-29). ولی برخلاف آن، گروهی دیگر می‌گویند: ابداع‌کنندگان آثار فکری، معمولاً آن‌طور که در نظریه مزبور اشاره شد فکر نمی‌کنند. آنها خواهان برقراری یک نظام منسجم و ضمانت اجراهای مناسب، برای حمایت از آثارشان در محیط الکترونیکی هستند و جامعه زمانی می‌تواند به رفاه و علم و دانش متناسب و خوب دست یابد که پدیدآورندگان تصمیم به انتشار آثارشان بگیرند و تا زمانی که تضمین قوی برای حمایت از کپی‌رایت وجود نداشته باشد، این امر ممکن نخواهد شد. بنابراین، حمایت باید در محیط دیجیتالی نسبت به محیط فیزیکی [به دلیل قابلیت‌هایی که شبکه دارد] از اهمیت بیشتری برخوردار باشد و دامنه استثنائات آن (مانند استفاده منصفانه) محدود شود (Ibid: 31). در انتقاد از نظر نخست، باید گفت: حداقل عدم شناسایی حقوق معنوی به هیچ وجه و با هیچ منطقی سازگار نیست. شاید عدم توجه کافی حقوق کامن‌لا نسبت به حمایت از حقوق معنوی، باعث عدم توجه حقوقدانان مزبور نسبت به این مطلب باشد (Cornish, 1999: 301)، ولی در دیگر نظام‌ها نمی‌توان به راحتی این امر را نادیده گرفت. از سوی دیگر، چنان‌که خواهیم دید، هیچ‌یک از دیدگاه‌ها و نظریات مزبور، نه از سوی دادگاه‌های کشورهای مختلف، نه در قوانین و نه در معاهدات بین‌المللی واپسو و دستورالعمل‌های اروپایی، به‌طور کامل مورد پذیرش قرار نگرفت.

حمایت از آثار فکری در محیط دیجیتالی، در سطح نظام‌های حقوقی جهان مورد پذیرش قرار گرفته است. محدوده حمایت‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. حمایت از مطالبی که در وب‌سایت‌ها و صفحات وب عرضه شده است، به‌طوری که کپی‌برداری و یا تکثیر آن را ممنوع ساخته‌اند؛
۲. حمایت از عرضه آثار پدیدآورندگان در شبکه‌های رایانه‌ای مانند اینترنت؛
۳. حمایت از پدیدآورندگان در مقابل دیجیتالی نمودن آثارشان (Alexander L. Poltorak

البته در برخی مسائل اختلاف نظر وجود دارد. به هر حال از منظر تاریخی، مباحث اساسی کپی‌رایت در محیط مجازی، برای سالیان طولانی در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مورد بحث و تبادل نظر بوده است و در نهایت، اقدامات مهمی نیز در این خصوص صورت گرفت، از جمله: انعقاد معاهدات اینترنتی وایپو در سال ۱۹۹۶، که هدف اصلی انعقاد آنها، روزآمد کردن معاهدات بین‌المللی راجع به کپی‌رایت (خصوصاً کنوانسیون برن) بوده است.

در سطح ملی از جمله مهم‌ترین قوانین در این خصوص، قانون تجارت الکترونیکی مصوب سال ۱۳۸۲ و قانون حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب سال ۱۳۷۹ و آیین‌نامه آن می‌باشد که در مباحث آتی، راجع به آنها بحث می‌شود.

اخیراً قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند (مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۱۶)، در ارتباط با حمایت از حقوق مرتبط در محیط مجازی، مواردی را پیش‌بینی کرده است.

بنابراین با توجه به مراتب پیش‌گفته، اصل حمایت از آثار در این محیط پذیرفته شده است و باید دید محدوده این حمایت‌ها تا چه حد است؟ پاسخ کامل به این پرسش، طی مباحث آتی می‌آید. ولی اصولاً در محیط مجازی نیز در حد ممکن، مقررات سنتی سابق قابل اجراست و صرف‌نظر از موارد خاص، مقررات مزبور اجرا می‌شود.

آثار مورد حمایت

مطابق مقررات موجود در محیط معمولی، آثار مورد حمایت در سطح بین‌المللی در ماده ۲ کنوانسیون برن، در زمینه آثار ادبی و هنری شناسایی شده‌اند. در موافقت‌نامه تریپس* (بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۰)، علاوه بر حمایت از موضوعات مشمول حمایت کنوانسیون برن، برنامه‌های رایانه‌ای و پایگاه‌های داده (databases) نیز جزء آثار مورد حمایت آمده است. در حقوق داخلی کشورها هم تقریباً موارد مزبور در کنوانسیون برن و موافقت‌نامه تریپس، پذیرفته شده‌اند و حمایت می‌شوند.

* Agreement on Trade Related aspects of Intellectual Property Rights, TRIPs, 1994.

در مورد حقوق مرتبط یا مجاور، کنوانسیون رم و موافقت‌نامه تریپس، معاهداتی بین‌المللی هستند که حمایت را به‌عهده گرفته‌اند. در معاهدات پیش‌گفته، حقوق مرتبط* شامل سه دسته از حقوق است: الف. حقوق اجراکنندگان؛ ب. حقوق تولیدکنندگان صفحات صوتی؛ ج. حقوق سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی.

در محیط دیجیتال، حمایت از تمام آثار یاد شده پیش‌گفته، در معاهدات اینترنتی وایپو اشاره شده است (ماده ۱۴ WCT و ماده ۱ WPPT)، هرچند نسبت به برنامه‌های رایانه‌ای و پایگاه‌های داده، صحبتی نشده است.

در حقوق داخلی، آثار قابل حمایت عموماً در ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، مصوب سال ۱۳۴۸ و قوانین بعدی، از جمله قانون ترجمه و تکثیر نشریات و آثار صوتی، مصوب سال ۱۳۵۲، شناسایی شده است. همچنین، ماده ۴ قانون سامان‌دهی مد و لباس، مصوب ۸۵/۱۰/۱۲، طرح‌ها و الگوهای تولیدشده پارچه و لباس مبتنی بر نمادهای ایرانی - اسلامی را از طریق حقوق مؤلفان قابل حمایت اعلام کرده است. در محیط دیجیتال، تمام آثار مزبور قابل حمایت‌اند و در هر حال، مهم‌ترین آثار جدیدی که با پیدایش شبکه‌های رایانه‌ای قابل حمایت‌اند، عبارت‌اند از:

۱. نرم‌افزارهای رایانه‌ای: که عبارت‌اند از: مجموعه برنامه‌های رایانه‌ای، رویه‌ها، دستورالعمل‌ها و مستندات مربوط به آنها و نیز اطلاعات مربوط به عملیات یک سیستم رایانه‌ای، که دارای کاربری مشخص باشد و بر روی یکی از حامل‌های رایانه‌ای ضبط شده باشد (ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی، مواد ۲ و ۱۷ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای). بند ۶ ماده ۲ قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای، در تعریف برنامه‌های رایانه‌ای می‌گوید:

... مجموعه‌ای از دستورات که به‌وسیله کلمه، رمز، برنامه یا طرح یا هر شکل دیگری بیان شود و هرگاه در رسانه‌ای که رایانه توانایی خواندن آن را دارد، ثبت شود، می‌تواند باعث شود که رایانه وظیفه خاصی را انجام دهد یا به نتیجه خاصی برسد.

* اشخاص ذی‌نفع در حوزه حقوق مرتبط به‌واسطه عملی که در رابطه با فعالیتشان انجام می‌دهند، به گونه‌ای صاحب حق هستند و در واقع، در مقایسه با تولیدکنندگان و ابداع‌کنندگان آثار، تولید و ابداع خاصی انجام نمی‌دهند، بلکه به واسطه مرتبط بودن شغل آنها با آثار ادبی و هنری، مورد حمایت قرار می‌گیرند.

۲. پایگاه اینترنتی (website): پایگاه‌های اینترنتی نیز صرف‌نظر از اینکه ممکن است حاوی مطالبی باشد که مورد حمایت مالکیت فکری است، به خودی خود و در مجموع مورد حمایت است. زیرا می‌تواند به‌عنوان یک اثر ادبی محسوب شود. شایان ذکر است، در ایالات متحده وبسایت‌ها نیز همانند سایر آثار ادبی ثبت می‌شوند (Batist Paklans: 10). در معاهدات اینترنتی وایپو، به‌طور آشکار به حمایت از آنها اشاره‌ای نشده است.

۳. نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای (multi media): از موارد دیگری که فقط در محیط مجازی و دیجیتالی ایجاد شده است، نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای یا نرم‌افزارهای چندمنظوره رسانه‌ای است. در نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای سه ویژگی و تفاوت نسبت به آثار سنتی وجود دارد: الف. دیجیتالی بودن؛ ب. ترکیب آثار مختلف؛ ج. دوجانبه بودن. البته هر سه ویژگی پیش‌گفته باید وجود داشته باشد تا بتوان نرم‌افزاری را نرم‌افزار چندرسانه‌ای خواند. امکان فعالیت دوجانبه، یعنی استفاده‌کننده بتواند آنچه را مورد نیاز اوست، بهره‌برداری کند و این امر میسر نمی‌شود، مگر آنکه اطلاعات مزبور به‌صورت دیجیتالی باشند، که فناوری رایانه‌ای، این مهم را برآورده است (Stamiudi, 2002: 214). ماده ۱۶۰ برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و... مصوب سال ۱۳۷۹، اشعار می‌دارد: «گزارش‌های پژوهشی، پایان‌نامه‌ها و نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای، به‌عنوان اثر مشمول مفاد قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب سال ۱۳۴۸ می‌شوند...».

لازم به توضیح است که برای حمایت از نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای، فقط وجود حمایت قانونی از نرم‌افزارها، کافی نیست. همچنین، برنامه‌های رایانه‌ای با نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای متفاوت است. زیرا برنامه رایانه‌ای یک وسیله است، در حالی که نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای، مجموعه‌ای از آثار، شامل: متن، صدا و... هستند و برنامه رایانه‌ای به کار رفته در آنها، ارزش چندانی نسبت به آن اطلاعات ندارند. بنابراین، نزدیکی این دو مفهوم، نباید موجب خلط آنها گردد (Ibid: 12.156).

۴. پایگاه‌های اطلاعاتی (databases): مجموعه‌ای از آثار مختلف متنی و... است که به‌صورت منظم و دقیق جهت بهره‌برداری، با وسایل الکترونیکی ایجاد می‌شود و در صورت داشتن شرایط لازم، به‌عنوان اثر ادبی قابل حمایت است (خلج، ۱۳۸۴: ۵۰).

عرضه الکترونیکی آثار و حقوق پدیدآورندگان

منظور از عرضه الکترونیکی، نشر الکترونیکی است که ممکن است به دو صورت انجام گیرد: یکی اینکه در اینترنت عرضه شود و دیگری آنکه با کمک وسایل رایانه‌ای، به صورت دیجیتالی و الکترونیکی تبدیل شود. برای بررسی این‌گونه نشر، ابتدا به بررسی مختصر حقوق صاحبان آثار می‌پردازیم، سپس موارد مزبور را مطالعه می‌کنیم.

در واقع، حقوق صاحبان آثار به حقوق مادی (اقتصادی) و حقوق معنوی (اخلاقی) تقسیم می‌شود. حقوق مادی شامل: حق تکثیر، حق اجرای عمومی، پخش از وسایل و رسانه‌های عمومی، حق ترجمه به زبان‌های دیگر و... است. لازم به ذکر است، راجع به نرم‌افزارهای رایانه‌ای، ممکن است حمایت از راه حقوق مالکیت ادبی و هنری و در برخی موارد که نرم‌افزار متضمن نوآوری جدید است، از راه حقوق اختراعات به عمل آید. حقوق مادی، با فروش یا اهدای یک نسخه کتاب و یا اثر ادبی و هنری، به منتقل‌الیه منتقل نمی‌شود. او فقط حق دارد از آن استفاده کند و آن را به دیگری منتقل سازد، ولی حق تکثیر ندارد (جعفرزاده، ۸۴-۱۳۸۳: ۱۲۶). تجدید چاپ و انتشار مجدد اثر نیز از آن صاحب اثر است. بنابراین کسی نمی‌تواند پس از پایان یافتن مدت انتشار و توزیع آثار منتشره، به تجدید چاپ و عرضه آثار اقدام کند. به هر حال، مهم‌ترین حقوق مادی شناخته‌شده برای صاحبان آثار، با توجه به مقررات داخلی و بین‌المللی، به شرح ذیل است:

الف. حق تکثیر: اولین و مهم‌ترین حقی که از ابتدای برقراری حمایت از آثار، شناسایی شده است، حق منع دیگران از کپی برداری اثر است. لازم نیست که تعداد زیادی کپی ایجاد شده باشد، بلکه کپی یک نسخه نیز، اگر بدون اجازه باشد، ممنوع است.

ب. حق عرضه و اجرا: عرضه و اجرای یک اثر هنری متعلق به صاحب اثر است. حق انحصاری در دسترس قرار دادن یا نمایش دادن یک اثر شنیداری یا دیداری و یا اجرای زنده یک اثر، در اختیار اوست. لازم به ذکر است، انتقال حق عرضه و اجرای اثر، مستلزم حق نشر و نسخه‌برداری نیست.

ج. حق اقتباس، تلخیص و تبدیل: استفاده از اثر در کارهای علمی، ادبی، صنعتی و

تبلیغاتی و به کار بردن اثر در فراهم کردن یا پدید آوردن اثرهای دیگر، در اختیار صاحب اثر است. اثر اقتباس شده، تلخیصی و تبدیلی نیز باید نوآوری داشته باشد و دارای خلاقیت باشد. صرف کپی برداری، شامل عناوین مزبور نیست.

مهم ترین مصداق های حق معنوی در مقررات داخلی و بین المللی را می توان به ترتیب ذیل دسته بندی کرد:

الف. حق تصمیم گیری راجع به زمان، نحوه و طریق نشر آثار: با توجه به اینکه اثر به شخصیت پدیدآورنده ارتباط دارد، بنابراین تنها اوست که می تواند قابلیت و زمان نشر آن را تعیین کند. یعنی اثر به صورت کتاب، نمایشنامه، فیلمنامه و... منتشر شود و یا به گروهی خاص یا تمام مردم عرضه شود (همان: ۱۳۵):

ب. حق انتساب اثر: به موجب این حق، عرضه و اجرای اثر بایستی همراه با نام صاحب اثر باشد؛

ج. حق جلوگیری از تغییر و تحریف اثر؛

د. حمایت از عنوان، نام و نشان ویژه اثر.

پس از بررسی مختصر حقوق صاحبان آثار در محیط فیزیکی به بررسی اجزای حقوق آنان در محیط مجازی می پردازیم.

با توجه به اینکه حق تکثیر، حق عرضه و نشر و حق اجرای آثار مختص به محیط فیزیکی است و در محیط دیجیتال به آن معنا نمی توان اثر را به عنوان مثال تکثیر، عرضه یا نشر کرد [زیرا وقتی اثری موزیکی یا متنی در وبسایتی قرار داده می شود، از نقاط مختلف جهان و توسط اشخاص و کاربران مختلف و بی شمار، امکان دسترس به آن وجود دارد و مشخص نیست که کاربران آن را تکثیر کرده اند یا عرضه کننده اثر]، بنابراین در محیط الکترونیکی نمی توان گفت که اثر، به مفهوم واقعی کلمه تکثیر، عرضه یا توزیع شده است. اشکال دیگر آنکه، عرضه الکترونیکی به صورت محسوس و فیزیکی نیست و به طور مادی انجام نمی شود. در پاسخ به اشکال اول می توان گفت: هرچند تکثیر و یا سایر موارد مزبور، به طور سنتی و رایج که در گذشته بود، نیست؛ ولی در عمل، نتیجه آن با در اختیار گذاشتن اثر در اینترنت حاصل می شود. در مورد اشکال دوم، در مراحل اولیه و پرونده های ابتدایی که در ایالات متحده مطرح شد، دادگاه ها مفهوم تکثیر را فقط محدود به شکل مادی آن ندانستند (Peter, 2000: 46)،

به طوری که در پرونده‌ای، خواننده اعلام کرد: با عرضه الکترونیکی، چون تصویر به‌طور واقعی ایجاد نمی‌شود، پس نمی‌توان مسئولیتی برای او قائل شد. دادگاه این دفاع را نپذیرفت و اعلام کرد: چون کاربران امکان دسترس به آثار را داشته‌اند، تجاوز محقق شده است (Ibid: 47).

در ماده ۱ معاهده کپی‌رایت وایپو، عرضه الکترونیکی و دیجیتالی اثر جزء حق تکثیر اثر محسوب شد. البته همان‌طور که در مباحث بعدی خواهیم دید، برای حمایت، صرفاً به این امر اکتفا نشده است و حق جدیدی نیز ایجاد شده است، اما در این موضوع که آیا ذخیره موقت اثر* نیز تکثیر محسوب می‌شود یا خیر؛ توافق حاصل نشد و معاهده، تشخیص آن را به قوانین داخلی سپرده است و خود حکمی را اعلام نکرده است (Smith, 2002: 70).

قانون تجارت الکترونیکی ما نیز در ماده ۶۲، اعمال حق تکثیر را در محیط الکترونیکی ممکن دانسته است؛ بدون آنکه نسبت به ایجاد حقوقی جدید صحبت کند و یا هرچند به اجمال معلوم کند که عرضه آثار در اینترنت جزء کدام‌یک از حقوق است. در نتیجه، این موضوع با توجه به توضیحات یاد شده قابل انتقاد است. ماده ۶۳ در مورد تکثیر موقت اعلام داشته است: «اعمال موقت تکثیر، اجرا و توزیع اثر که جزء فراگرد پردازش داده پیام در شبکه‌هاست، از شمول مقررات فوق خارج است». این حکم صریح قانون مزبور قابل تأیید و مطلوب است.

علی‌رغم اختلاف نظریه‌ها در خصوص ایجاد (حق برقراری ارتباط با عموم) در نظام‌های مختلف، از جمله: ایالات متحده [در قانون کپی‌رایت، در رسانه‌های دیجیتالی ایالات متحده* نسبت به این موضوع حکم روشنی وجود ندارد]، انگلیس و فرانسه و تأکید این سه نظام بر اعمال حق تکثیر و حقوق سنتی دیگر در محیط دیجیتالی، وایپو در معاهده کپی‌رایت اقدام به ایجاد آن کرده است. ماده ۸ معاهده کپی‌رایت وایپو، در خصوص یکی از حقوق صاحبان آثار اشعار می‌دارد: «برقراری امکان دسترس به اثر،

* منظور از ذخیره موقت، چنان‌که در ماده ۶۳ قانون تجارت الکترونیکی آمده است؛ فرایندی است که به موجب آن برای پخش یک اثر در صفحه نمایش رایانه، لازم است ابتدا ذخیره‌ای از آن در رایانه انجام شود.

* Digital Miliminum Copyright Act, (DMCA).

بدون توجه به اینکه آیا کسی به اثر دسترس پیدا کرده یا خیر و یا آن را ذخیره ساخته است یا خیر» (Ibid: 291).

چنانکه مشاهده می‌شود، با این حکم صریح هیچ‌گونه اشکالی در مورد حمایت از آثار در شبکه‌ها، حداقل با توسعه یافتگی کنونی آنها نمی‌توان یافت.

در ماده ۶ آیین‌نامه قانون نرم‌افزارهای رایانه‌ای، مصوب سال ۱۳۸۳، در تعریف «نشر آثار» آمده است: «قرار دادن نرم‌افزار در معرض استفاده عموم، اعم از اینکه بر روی یکی از حامل‌های رایانه‌ای تکثیر شود یا به‌منظور فوق، در محیط‌های رایانه‌ای قابل استفاده برای دیگران، قرار داده شود» که تقریباً با تعریفی که در ماده ۸ معاهده کپی‌رایت وایپو راجع به آثار مورد حمایت کپی‌رایت در شبکه‌های دیجیتالی وجود دارد، نزدیک است و شباهت دارد، ولی در ق.ت.ا. سال ۱۳۸۲ نسبت به این امر سکوت شده است. حق یاد شده، در دستورالعمل اروپایی حمایت کپی‌رایت در محیط دیجیتالی و در قانون کشور استرالیا در این خصوص پذیرفته شده است. همین‌طور در بسیاری از کشورهای دیگر، حق ارتباط برقرار کردن با عموم، در قوانین آنها شناسایی شده است (Ibid: 292). به نظر می‌رسد شناسایی حق برقراری ارتباط با عموم، با ظهور فضای مجازی لازم و ضروری است. البته لازم به ذکر است، این حق در گذشته در رابطه با حقوق مرتبط شناسایی شده بود. مواد ۱۱ مکرر، ثالث، ۱۴ و ۱۴ مکرر کنوانسیون برن، شامل برنامه‌های رایانه‌ای نمی‌شوند. از سوی دیگر، این حق مربوط به تمامی آثار نیست (Ibid: 290). با توجه به ویژگی‌های خاص محیط دیجیتالی، حقوقی که در گذشته و به‌طور سنتی برای صاحبان آثار شناسایی شده است، کافی نیست؛ زیرا به‌عنوان مثال، وقتی کتابی به‌صورت دیجیتالی در یک وب‌سایت عرضه می‌شود و کاربران اینترنتی از نقاط مختلف به آن دسترس دارند، نمی‌توان به راحتی اعلام کرد که به حق تکثیر مؤلف تجاوز شده است، زیرا با ارتباط برقرار کردن به وب‌سایت و مطالعه آن، فقط یک کپی موقت در حافظه (ram) رایانه ایجاد می‌شود و تکثیری از آثار، به مفهوم رایج آن، صورت نمی‌گیرد. بنابراین به نظر می‌رسد، گرایش نظام‌های حقوقی در این زمینه به سوی راه حل ارائه شده از سوی وایپو تمایل یابد، زیرا با ایجاد چنین حقی، از نظر عملی و منطقی می‌توان بر اشکالاتی که اعمال حقوق مزبور در این محیط دارد، فائق آمد و حقوق

صاحبان آثار را در محیط الکترونیکی به سادگی حمایت کرد. بنابراین این امر قابل پیش‌بینی است که در آینده، این حق، که خود امکان دربرگرفتن حقوق دیگر صاحبان آثار یعنی حق تکثیر، عرضه و... را دارد، جایگزین حقوق سنتی شود (Ibid: 314).

در قانون کپی‌رایت در رسانه‌های دیجیتالی ایالات متحده، حق دسترس به سایت نیز جزء حقوق صاحبان آثار محسوب شده است. موضوعی که با توجه به رشد بُعد اقتصادی اینترنت در ایالات متحده، بر حقوق صاحبان آثار افزوده شد. براساس این حق، صاحب اثر می‌تواند از دسترس به اثر در اینترنت جلوگیری کند (Sarrocco: 17). در واقع با عدم شناسایی این حق، فقط پرینت گرفتن و یا ذخیره در رایانه ممنوع بود، ولی با شناسایی آن، صاحبان آثار می‌توانند در عین حال که اثر در اینترنت عرضه شده است، از دسترس به آن جلوگیری کنند.

۱۲۵

به نظر می‌رسد، باید همان‌طور که در ماده ۸ معاهده کپی‌رایت وایپو و مقررات کشورهای زیادی آمده است، این حق با تعریفی که در گذشته به آن اشاره شد، شناسایی شود و به رسمیت شناخته شود. تشخیص اینکه عرضه الکترونیکی آثار جزء کدام دسته از حقوق (یعنی حق تکثیر است یا حق برقراری ارتباط با عموم) است، فایده دیگری نیز دارد. به‌عنوان مثال، ممکن است مؤلف راجع به نشر و تکثیر اثر با ناشر قرارداد منعقد کرده باشد و انعقاد این قرارداد در زمان قبل از بروز، ظهور و گسترش این وسیله ارتباطی باشد. سؤالی که مطرح می‌شود این است که؛ آیا واگذاری حقوق مادی به ناشر، مؤلف را از عرضه اثر خود در اینترنت و یا دیجیتالی کردن آن بازمی‌دارد و فقط ناشر حق عرضه دارد؟ حال اگر عرضه در اینترنت و یا دیجیتالی کردن اثر تحت حقوق پیش‌گفته باشد، باید حکم به انتقال آن داد، ولی اگر شکل این بهره‌برداری و حقوق مؤلف متفاوت با فضا و محیط فیزیکی باشد، ناشر یا منتقل‌الیه حقوق مادی، چنین حقی را نخواهد داشت؟ شاید گفته شود؛ بدون شناسایی حق جدید در فرض مسئله، چون حقوق پدیدآورندگان منحصر در حقوق مادی نیست و حقوق معنوی نیز برای آنان شناسایی شده است که قابل انتقال به دیگران نیست و از آنجا که عرضه اثر در اینترنت، با توجه به گستره جهانی آن ممکن است به دلیل نوع و شیوه عرضه، مخالف با حقوق معنوی مؤلف باشد و امکان تجاوز به آن را شدت بخشد و از

سوی دیگر، می‌توان گفت قصد طرفین فقط محدود به وسایل و ابزاری است که در زمان انعقاد قرارداد وجود داشته است، بنابراین منتقل‌الیه حقوق، حق عرضه الکترونیکی اثر را ندارد. در انتقاد از این نظر می‌توان گفت: انتقال مالکیت اثر، بدون در نظر گرفتن وسایل عرضه بوده است؛ زیرا اگر طرفین نسبت به آن حساسیت داشتند، راجع به آن به‌طور صریح تصمیم‌گیری می‌کردند. این انتقاد وارد نیست، زیرا فرض مسئله مربوط به جایی است که زمان انعقاد قرارداد، اینترنت و یا دیجیتالی کردن اطلاعات به‌صورت امروزی مطرح نبوده است. به نظر می‌رسد با توجه به قاعده تسلیط، منتقل‌الیه حق بهره‌برداری اثر در اینترنت و یا دیجیتالی کردن آن را دارد، مگر آنکه پدیدآورنده ثابت کند که عمل مزبور مخالف با شئون و حقوق معنوی است. در این صورت می‌توان از عرضه اثر در اینترنت یا دیجیتالی کردن آن جلوگیری کرد. این نتیجه با توجه به ماده ۴ قانون مدنی که اثر قوانین را ناظر به آینده می‌داند نیز سازگار است، یعنی در واقع مقررات قانون تجارت الکترونیکی مصوب سال ۱۳۸۲ فقط در آینده مؤثر است و برای پدیدآورندگان، قبل از لازم‌الاجرا شدن، حقی ایجاد نمی‌کند. با وجود این در پرونده Tasini در ایالات متحده و پرونده Union syndicate des journalistes francais در فرانسه، در مسئله یاد شده، دادگاه‌ها به نفع پدیدآورندگان حکم داده‌اند. در این دو پرونده در زمان انعقاد قرارداد، اینترنت مطرح نبود و دادگاه‌ها با توجه به اینکه اینترنت رسانه جدیدی محسوب می‌شود و پخش اثر در آن، در بازار آینده اثر تأثیرگذار است، ناشران را مجاز به بهره‌برداری ندانسته‌اند (Smith, op.cit: 50). ولی می‌توان گفت، حتی در جایی که عرضه اثر در اینترنت مستلزم داشتن حق جدیدی غیر از حقوق گذشته باشد نیز با توجه به اصل تسلیط و اصل لزوم قراردادهای و احترام به حقوق مالکیت، به ناچار باید حق جدید را متعلق به منتقل‌الیه دانست. تخصیص حکم قانون در مورد مالکیت ناشی از قرارداد، نیاز به حکم جدید قانونی دارد و تا زمانی که قانون آن را مقرر نکند، نمی‌توان آن را پذیرفت. با وجود این، اگر حقوق معنوی برای مؤلف به‌واسطه اسقاط و یا جهات دیگر مثل فوت صاحب اثر از بین نرفته باشد، ایجاد خلل در آن با توجه به توضیحات پیش‌گفته، موجبی است که بتوان به کمک آن مانع منتقل‌الیه از عرضه اثر در اینترنت و یا دیجیتالی کردن آن شد. فرض دیگر آنکه در زمان

انعقاد قرارداد، واگذاری حقوق مادی، هر چند که اینترنت و عرضه الکترونیکی در صحنه ارتباطات است، اما قرارداد راجع به اینکه آیا منتقل الیه حق بهره‌برداری از اثر در اینترنت یا دیجیتالی کردن آن را دارد یا خیر، مسکوت مانده است. در این فرض به نظر می‌رسد باید به اوضاع و احوال قضیه و قرائن موجود، از جمله اینکه منتقل الیه در زمان انعقاد قرارداد چه امکاناتی داشته است و انتقال به چه نحوی انجام شده است، توجه نمود. به نظر می‌رسد برخلاف فرض پیشین، حتی اگر حقوق به طور کامل منتقل شده باشد، با توجه به اصل عدم، منتقل الیه حق بهره‌برداری اثر در اینترنت یا دیجیتالی کردن آن را ندارد، مگر آنکه به طور صریح چنین حقی به او اعطا شده باشد. ایجاد حق جدید با توجه به قوانین برای پدیدآورندگان، خصوصاً در معاهده کپی‌رایت واپو این نظر را تأیید می‌کند.

به هر حال ابزارهای حقوقی حمایت، جهت تأمین حقوق صاحبان آثار کافی نیست و در عمل، صاحبان حقوق با کمک ابزارهای فنی و یا تجاری، بیشتر به فکر جلوگیری از تجاوز به اثرشان هستند. ماده ۱۱ کپی‌رایت واپو و ماده ۱۸ حقوق مرتبط، راجع به الزام اعضا به وضع مقررات مبنی بر ممنوعیت تغییر یا تحریف یا از کار انداختن معیارهای فنی حمایت است. ماده ۱۲۰۱ قانون کپی‌رایت در رسانه‌های دیجیتالی ایالات متحده، معیارهای پیش‌گفته را به دو دسته تقسیم کرده است:

الف. ابزارهایی که برای جلوگیری از دسترس به آثار ایجاد شده است؛

ب. ابزارهایی که برای جلوگیری از کپی آثار ایجاد شده است.

ممنوعیت قانون مزبور فقط محدود به نوع نخست است و نوع دوم را ممنوع نکرده است. بنابراین قانون مزبور، نوع دوم را جهت امکان برقراری استفاده‌های منصفانه از اثر ممنوع نساخته است (4) (Samocco, op.cit: 4). البته قانون کپی‌رایت در رسانه‌های دیجیتالی ایالات متحده، تولیدکنندگان تجهیزات را به استفاده از شیوه‌های خاص در تولید الزام نکرده است.

تقریباً تمام مباحث پیشین، در مورد حقوق مادی صاحبان حقوق مرتبط است. بحثی که در اینجا لازم به تشریح است، مسئله امکان پخش موضوعات مربوط به حقوق صاحبان حقوق مرتبط در رسانه‌های جمعی و پرداخت عوض منصفانه‌ای به آنهاست.

آیا پخش آثار آنان در اینترنت نیز در قبال پرداخت عوض منصفانه، ممکن است یا خیر؟ در معاهدات اینترنتی وایپو و در ق.ت.ا. سال ۱۳۸۲ کشور ما، نسبت به این موضوع مطلبی دیده نمی‌شود. در ایالات متحده از سال ۱۹۹۵، لیسانس‌های اجباری به محیط دیجیتالی نیز گسترش داده شده است (Reese: 243). به‌عنوان مثال، عرضه موزیک در اینترنت به دو صورت است: نخست آنکه امکان ذخیره آن از طرف کاربران وجود دارد و دیگری آنکه کاربران فقط می‌توانند آن را بشنوند. شاید گفته شود، مجوز مزبور به هر دو نوع قابل تعمیم است. ولی باید دانست که گسترش این مجوز به زیان صاحبان حقوق است و در نظام‌هایی که این مجوزها وجود دارد، فقط محدود به نوع دوم است (Ibid: 245). از سوی دیگر، این مجوزها فقط باید از طرف نهادهای غیرانتفاعی قابل دریافت باشد.

مطلب دیگر اینکه، در حوزه حقوق مرتبط در قوانین ما و برخی کشورها به این دسته از حقوق، حق عرضه داده نشده است. مثلاً پخش یک ترانه در رادیو و یا در یک جشن باشکوه و بزرگ، فقط نیاز به اجازه صاحب اثر موزیکی دارد و نیاز به اجازه سازمان و یا مؤسسه تولید و پخش ندارد، بلکه آنها فقط حق تکثیر و یا سایر حقوق دیگر را دارند. البته در حقوق ایالات متحده، با ظهور شبکه‌ها در سال ۱۹۹۵، در این زمینه حقوق محدودی برای آنها شناسایی شد؛ به‌طوری که پخش اثر در وسایل با امکان فعالیت دوجانبه، منوط به اجازه تولیدکنندگان شد (Ibid: 247). در ق.ت.ا. سال ۱۳۸۲، ماده ۶۲ حق تکثیر، اجرا و توزیع (عرضه و نشر)، قوانین سال ۱۳۴۸، ۱۳۵۲، ۱۳۷۹ در مورد آثار ادبی و هنری و حقوق مرتبط و نرم‌افزارهای رایانه‌ای را در اختیار صاحبان حقوق قرار داده است؛ در حالی که در ماده ۳ ق.ت.ا. ص. سال ۱۳۵۲، فقط حق تکثیر به تولیدکنندگان داده شده بود. بنابراین، از این جهت مشکل برطرف نشده است. حقوق معنوی صاحبان آثار، اهمیت تازه‌ای در محیط دیجیتالی پیدا کرده است. به‌طوری که فناوری‌های جدید، امکان و ابزار تغییر در آثار و یا ایجاد آثار اقتباسی و مانند اینها را فراهم کرده است، در نتیجه امکان تجاوز به حقوق معنوی مؤلفان را در محیط مزبور، فراهم ساخته است. در معاهدات بین‌المللی در حوزه حقوق مرتبط، نسبت به شناسایی حقوق معنوی قبل از انعقاد معاهده حقوق مرتبط وایپو WPPT،

مقرراتی وجود ندارد و این امر با توجه به گستره جهانی اینترنت خطرناک بوده است. از این رو در ماده ۵ معاهده مزبور، حقوق معنوی برای صاحبان آثار مرتبط شناسایی شد. در قوانین ما، در خصوص حق معنوی صاحبان حقوق مرتبط، مقرراتی وجود ندارد. در متن ماده ۶۲ ق.ت.ا. سال ۱۳۸۲، فقط به حقوق مادی اشاره شده است! یعنی حقوق مالکیت ادبی و هنری نیز نسبت به شناسایی حقوق معنوی ساکت است! در تبصره ۱ ماده پیش گفته، در تعریف حقوق مرتبط بیان شده است: «حقوق مرتبط با مالکیت ادبی و هنری ... شامل حقوق مادی و معنوی برای عناصر دیگری علاوه بر مؤلف، از جمله هنرمندان مجری آثار و... است».

متأسفانه در این قانون، به طور صریح به حقوق معنوی صاحبان آثار توجه نشده است، در حالی که اهمیت و ضرورت توجه کافی نسبت به این موضوع قابل انکار نیست. از سوی دیگر، حکم مزبور با تعریف حقوق مرتبط در حقوق ما همخوانی ندارد؛ زیرا دیدیم که در حقوق ما، به حقوق معنوی صاحبان حقوق مرتبط اشاره‌ای نشده است. بنابراین لازم است علاوه بر شناسایی حقوق معنوی در بستر مبادلات الکترونیکی، نسبت به اصلاح مقررات موجود اقدام کنیم.

ماده ۱ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند، مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۲۵؛ تکثیر بدون مجوز آثار مجاز از جمله لوح‌های فشرده صوتی و تصویری (CD) را جزء جرایم دانسته است، ولی به سایر موارد از جمله نشر آنها در اینترنت و... نپرداخته است.

در خصوص اطلاعات مدیریت حقوق، ماده ۱۲ معاهده کپی‌رایت وایپو و ماده ۱۹ حقوق مرتبط، اعضا را ملزم به برقراری ضمانت اجراهای کیفری و مدنی، برای تغییر و یا حذف آنها کرده است. ماده ۱۲۰۲ قانون کپی‌رایت در رسانه‌های دیجیتالی ایالات متحده، در دو بخش ممنوع بودن توزیع آثاری که اطلاعات نادرستی از هویت اثر ماده دارد و دیگری، ممنوع بودن تغییر یا حذف اطلاعات مدیریت حقوق حمایت از آنها اعلام داشته است و برای برقراری مسئولیت کیفری توزیع آثار، لازم است که علم به تغییر و یا حذف اطلاعات مزبور وجود داشته باشد و مسئولیت مدنی، در صورتی که مبانی متعارفی برای علم باشد مستقر می‌شود. در بخش دیگر ماده یاد شده، اطلاعات

مدیریت حقوق بدین صورت تعریف شده است: اطلاعاتی که دربارهٔ اثر، مؤلف آن یا مالک آن باشد و در مورد خاص، اجراکنندهٔ اثر یا نویسنده و مدیر آن و همین‌طور شرایط و مدت استفاده و اطلاعات دیگری که ممکن است ثبت‌کنندهٔ کپی‌رایت، براساس مقررات آنها را توضیح دهد. در شق «د» مادهٔ ۱۲۰۲، مؤسسات دولتی و ایستگاه‌های پخش‌کنندهٔ کابلی که قصد تجاوز نداشته‌اند، از ممنوعیت پیش‌گفته معاف شده‌اند (Ibid: 7).

در بند ۲ مادهٔ ۱۲ کپی‌رایت و ایپو، اطلاعات مدیریت حقوق بدین صورت مورد تعریف شده است: «اطلاعاتی که اثر، پدیدآورندهٔ آن، مالک هرگونه حق در اثر، یا هر عدد یا کُد که اطلاعات مزبور را دربرداشته باشد و این اطلاعات در زمانی که اثر به عموم عرضه شده است یا کپی آن توزیع شده است، ضمیمهٔ اثر باشد». بنابراین، رابطهٔ اطلاعات مدیریت حقوق و حقوق معنوی عموم و خصوص من‌وجه است. زیرا، در حقوق معنوی از کسانی که حق مادی بر اثر دارند حمایت نمی‌شود. از سوی دیگر، حقوق معنوی شامل حقوقی مانند حق اولین عرضه (تبصرهٔ مادهٔ ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶) و... است؛ در حالی که اطلاعات مدیریت حقوق، آنها را دربر نمی‌گیرد. در معاهدهٔ مزبور، اعضا باید ضمانت اجرای مکفی برای نقض آنها (تغییر یا حذف)، در مقررات داخلی پیش‌بینی کنند.*

ضمانت اجرای نقض حقوق در شبکه‌های الکترونیکی

در محیط فیزیکی، قانونگذاران برای حمایت از حقوق پدیدآورندگان، ضمانت اجرای کیفری و مدنی مقرر کرده‌اند. در مورد ضمانت اجرای کیفری مطابق مادهٔ ۳۱ ق.ح.م.م.ه. ۱۳۴۸ (و مادهٔ ۱۵ ق.ح.پ.ن.ر. ۱۳۷۹ و مادهٔ ۱۲ ق.ت.ت.ک.ن.آ.ص. ۱۳۵۲)، تجاوز به آثار غیر، جزء جرایم قابل گذشت محسوب می‌شود؛ در نتیجه فقط با شکایت شاکی تعقیب می‌شود و با گذشت او متوقف می‌شود. مطابق مادهٔ ۲۹ همان قانون،

* در طرح پیش‌نویس قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ج.ا.ا.، این موارد لحاظ شده است. جهت مطالعه بیشتر، ر.ک: پایان‌نامهٔ نگارنده در خصوص مالکیت فکری در شبکه‌های اطلاع‌رسانی الکترونیکی، به راهنمایی دکتر محمود صادقی، دفاع شده در زمستان ۱۳۸۴، دانشگاه تربیت مدرس.

شاکی می‌تواند ضمن رسیدگی، از مرجع قضایی جلوگیری از نشر و پخش آثار و ضبط آنها را درخواست کند (همچنین ماده ۹ ق.ت.ت.ک.ن.آ.ص. ۱۳۵۲). از سوی دیگر متضرر می‌تواند اعلام حکم در یکی از جرایم و نشریات را بخواهد (ماده ۲۷ ق.ح.م.ه. ۱۳۴۸ و ماده ۱۴ ق.ح.پ.ن.ر. ۱۳۷۹). مجازات‌های کیفری در نظر گرفته شده برای اشخاص حقیقی و حقوقی، شامل حبس و جزای نقدی است که در مواد ۲۳ به بعد ق.ح.م.ه. ۱۳۴۸ و ماده ۷ به بعد ق.ت.ت.ک.ن.آ.ص. ۱۳۵۲ و ماده ۱۳ به بعد ق.ح.پ.ن.ر. ۱۳۷۹ پیش‌بینی شده است. نکته قابل توجه دیگر در خصوص حمایت از حقوق و برقراری ضمانت اجراها در حقوق ایران آنکه در قانون حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب سال ۱۳۷۹، مقنن در ماده ۱۶ برخلاف قوانین سال ۱۳۴۸ و ۱۳۵۲، حمایت را منحصر به آثاری کرده است که برای اولین بار در ایران تولید و توزیع شده‌اند، در حالی که در قوانین پیش‌گفته، اینکه اثر حتماً باید برای اولین بار در ایران تولید و توزیع شده باشد، مورد نیاز نیست و کافی است که برای اولین بار در ایران عرضه یا توزیع شده باشد. همچنین در ماده ۱۶ مزبور با ارجاع به ماده ۱ همان قانون، حمایت از حقوق معنوی نیز مشروط به شرط فوق شده است، در حالی که در قوانین سابق چنین شرطی نیامده بود. در مورد ضمانت اجراهای مدنی، مقررات و قواعد مسئولیت مدنی در مورد این حقوق نیز پس از اثبات وجود ضرر رابطه سببیت و فعل زیان‌بار قابل دریافت است. در قوانین کنونی فقط تبصره ماده ۱۳ قانون سال ۱۳۷۹ به لزوم جبران خسارت اشاره کرده است، ولی براساس اصول کلی، جبران زیان‌های ناشی از تخلف ضروری است. در این مورد به‌کارگیری تئوری دارا شدن ناعادلانه، به‌نحو خوبی می‌تواند زیان‌های پدیدآورندگان را برطرف سازد.

شبکه‌های الکترونیکی موجب ایجاد ضمانت‌های جدیدی برای تأمین حقوق پدیدآورندگان شده‌اند. معاهدات اینترنتی واپو، صرف‌نظر از اینکه به‌کارگیری اثر در شبکه‌های رایانه‌ای را نیز در اختیار صاحبان آثار دانسته است و در واقع عرضه الکترونیکی نیز اگر بدون اجازه صاحبان آثار باشد، نقض حق و مستلزم برقراری ضمانت اجراست، محدودیت‌های جدیدی در دو زمینه ایجاد کرده است که عبارت‌اند از:

الف. ممنوعیت از کار انداختن تدابیر فنی، که صاحبان آثار برای جلوگیری از تجاوز

به کار برده‌اند (ماده ۱۶ معاهده کپی‌رایت وایپو و ماده ۲۰ معاهده حقوق مرتبط)؛
 ب. ممنوعیت تغییر، حذف و یا تحریف اطلاعات مدیریت حقوق، که در ماده ۱۲
 معاهده کپی‌رایت وایپو و ماده ۱۹ معاهده حقوق مرتبط پیش‌بینی شده است.
 اعضا ملزم به برقراری ضمانت اجراهای کیفری و مدنی برای نقض موارد مذکور در
 قوانین داخلی شده‌اند.

ماده ۱۰ کنوانسیون جرایم فضای مجازی (Covention on Cybercrime 2001)
 به نقض حق مؤلف در محیط مجازی اختصاص یافته است. در این کنوانسیون* که
 تاکنون کشورهای اندکی به آن پیوسته‌اند، اعضا به برقراری ضمانت اجرای کیفری برای
 نقض حقوق مؤلف ملزم شده‌اند. در قانون تجارت الکترونیکی ما، به مواردی که در
 معاهدات اینترنتی وایپو آمده است، اشاره‌ای نشده است و فقط در ماده ۷۴ ق.ت.ا. سال
 ۱۳۸۲ ذیل عنوان: فصل اول - نقض حق مؤلف، اعلام شده است:

هرکس در بستر مبادلات الکترونیکی با تکثیر، اجرا و توزیع (عرضه و نشر) مواردی که
 در قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۹/۳ و قانون
 ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲/۹/۲۶ و قانون حمایت از
 حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴، مبنی بر آنکه امور
 مذکور طبق مصوبات مجلس شورای اسلامی مجاز شمرده شود، در صورتی که حق
 تصریح شده مؤلفان را نقض کند، به مجازات سه ماه تا یک سال حبس و جزای نقدی
 به میزان پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد.

انتقادهای ماهوی وارد بر این طرز نگرش قانونگذار نسبت به چگونگی برخورد با
 حق مؤلف در فضای مجازی را به‌طور مختصر در مباحث گذشته دیدیم. در اینجا
 صرف‌نظر از موارد یاد شده، به چند نکته قابل توجه می‌پردازیم:

اولاً، ق.ح.پ.ن.ر. سال ۱۳۷۹ جزء مصوبات مجلس شورای اسلامی است و چگونه
 باز هم باید طبق مصوبات آنجا باشد! احتمالاً منظور دو قانون دیگر است که در مورد
 آنها هم در معاهدات بین‌المللی (دوجانبه) ایران با سایر کشورها، قبل از تصویب ق.ت.ا.

* آمریکا، کانادا، ژاپن و آفریقای جنوبی همراه با ۲۶ کشور اروپایی عضو شورای اروپا، در بوداپست
 مجارستان، در سال ۲۰۰۱، این کنوانسیون را منعقد ساخته‌اند (نوروزی، ۱۳۸۱: ۱۳۵).

سال ۱۳۸۲، به دفعات مورد اشاره و پذیرش مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است. بنابراین، این شرط به نظر لغو می‌باشد.

ثانیاً، در مورد شرط «لزوم تصریح به حق» که در متن ماده آمده است؛ اگر منظور حق مصرح در قانون باشد، انتقادی وارد نیست، ولی اگر منظور لزوم بیان مورد حمایت بودن آثار از طریق قوانین مربوط باشد، صرف‌نظر از مقررات مربوط به آثار صوتی (ماده ۴ ق.ت.ت.آ.ص. سال ۱۳۵۲) از نوآوری‌های این قانون است و سابقه‌ای در مقررات داخلی و معاهدات بین‌المللی جدید و یا قدیم ندارد. در مقررات داخلی کشورهای دیگر نیز (جز در مواردی که جهت سهولت اثبات سوء نیت مورد لزوم برای برقراری ضمانت اجرای کیفری، به صلاحدید خود صاحبان آثار بیان می‌شود) چنین حکمی مشاهده نمی‌شود.

۱۳۳

ثالثاً، به ضمانت اجراهای مدنی توجهی نشده است. به نظر می‌رسد جبران خسارات در این محیط ویژگی خاصی ندارد و می‌توان اصول و مقررات عام را برای جبران زیان‌های وارده به کار برد. در قوانین و مقررات داخلی کشورها، چنانکه خواهیم دید، مؤسسات، آموزشگاه‌های غیرانتفاعی و دانشگاه‌ها از ضمانت اجراهای کیفری معاف اعلام شده‌اند؛ شایسته بود در این قانون نیز به این نکته توجه می‌شد. در قانون کپی‌رایت در رسانه‌های دیجیتالی ایالات متحده، ضمانت اجراهای کیفری در کنار ضمانت اجراهای مدنی که براساس مقررات کپی‌رایت تعیین شده است، براساس ماده ۱۲۰۳ برای تخلف از مقررات مواد ۱۲۰۱ و ۱۲۰۲، تا ۵۰۰,۰۰۰ دلار جریمه نقدی یا تا ۵ سال حبس برای بار اول و در صورت تکرار تا ۱,۰۰۰,۰۰۰ دلار جریمه نقدی و تا ده سال حبس پیش‌بینی شده است. کتابخانه‌های غیرانتفاعی، بایگانی‌ها و مؤسسات آموزشی به‌طور کامل در هر شرایطی از مسئولیت کیفری جدا هستند (Ibid: 16).

چنان‌که اشاره شد، در شبکه‌های رایانه‌ای شیوه‌های جدیدی برای نقض حقوق صاحبان آثار ایجاد شده است. حال باید دید آیا اعمال ضمانت اجرا در این موارد امکان دارد یا خیر؟ و نحوه توزیع مسئولیت به چه صورت است؟

پاسخ به این پرسش‌ها را در سه بخش مختلف بررسی می‌کنیم:

الف. سیستم نپستر و سیستم‌های مشابه

با کمک این نرم‌افزارها، بدون نیاز به سرور مرکزی (به استثنای نرم‌افزار نپستر)، کاربران می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار نمایند و موسیقی (پرونده نپستر) و سایر آثار مانند: کتاب، نرم‌افزار، عکس، فیلم و... را به یکدیگر منتقل کنند. با به‌کارگیری نرم‌افزارهای مزبور، موزیک و یا سایر آثار که در دیسکت یا رایانه موجود است، برای دیگران قابل دسترس می‌گردد تا بتوانند آن را ذخیره کنند (Sood, 2001: 328). این فرایند ممکن است بدون اطلاع شخصی که اثر مورد حمایت در رایانه اوست، انجام گیرد و کافی است که رایانه او به اینترنت متصل باشد.

در پرونده نپستر، شرکت نپستر فقط به‌عنوان مرکزی که اطلاعات را در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد، عمل می‌کرد و هیچ‌گونه دخالتی در ضبط یا ذخیره موسیقی نداشت. با وجود این، شرکت‌های بزرگ موسیقی به‌عنوان نقض حقوق، به طرح دعوی علیه شرکت نپستر اقدام کردند. زیرا، نپستر سرقت موزیک در اینترنت را تسهیل کرده است. در مقابل، شرکت نپستر دفاعیات ذیل را مطرح نمود (Jennims, 2002: 9):

- الف. نقش واسطه‌ای مانند شرکت مخابرات و فراهم‌کنندگان خدمات اینترنتی (رسا) را دارد؛
- ب. امکان استفاده‌های مجاز و بدون نقض حقوق نیز وجود دارد.
- ج. امکان استفاده‌های منصفانه بین کاربران به‌وجود آمده است. در واقع مانند محیط فیزیکی، هر مالکی حق استفاده خصوصی و در اختیار قرار دادن آنچه را نسبت به آن حق دارد، به دیگران دارد و نرم‌افزار نپستر نیز فقط استفاده منصفانه از آثار موسیقی را فراهم کرده است.

دفاعیات مزبور، مورد پذیرش دادگاه تجدیدنظر ایالات متحده قرار نگرفت و اعلام شد:

عملکرد نرم‌افزار مزبور، مانند شرکت مخابرات یا فراهم‌کنندگان خدمات اینترنتی (رسا) نیست؛ زیرا فایل‌ها از رایانه نپستر عبور نمی‌کند و نقل و انتقال و ذخیره، به‌طور مستقیم در اینترنت انجام می‌گیرد. از سوی دیگر، این نرم‌افزار باعث رکود بازار فروش سی‌دی (CD) شده است و اغلب در جهت نقض حقوق استفاده می‌شود. علاوه بر این، چون کاربران در شبکه، در مقابل آن چیزی که باید پول پرداخت کنند، آن را به‌طور رایگان به‌دست می‌آورند و از شخصی که هیچ‌گونه آشنایی و شناختی نسبت به او

ندارند و کاملاً ناشناس است، موسیقی‌ها دریافت و یا ارسال می‌شود، بنابراین نمی‌توان دفاع استفاده منصفانه را پذیرفت. در واقع شرط غیرتجاری بودن فعالیت، که از شروط استفاده منصفانه است، وجود ندارد.

اقدام چنین شرکت‌هایی در حقوق موضوعه ایران، به دلیل عدم وجود وحدت قصد بین آنها و کاربران متجاوز، از طریق معاونت در ارتکاب جرم قابل تعقیب نیست و لازم است قوانین خاص از جهت کیفی تصویب شود، ولی از نظر مسئولیت مدنی با جمع شرایط ایجاد مسئولیت، مانعی در ایجاد مسئولیت برای آنها وجود ندارد.

ب. ایجاد حلقه (linking) و چارچوب‌بندی

در اینکه به‌کارگیری فناوری‌های مزبور موجب نقض حقوق صاحبان آثار و یا وب‌سایت می‌شود یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد. در ذیل به بررسی آنها می‌پردازیم.

ایجاد حلقه: به دو صورت انجام می‌گیرد: الف. لینکی که به صفحه اصلی وب‌سایت دیگر صورت می‌گیرد و در اصطلاح *outline* یا *surface link* نامیده می‌شود؛ ب. لینکی که با کنار گذاشتن صفحه اصلی و مراجعه مستقیم به مطالب مورد نظر انجام می‌شود و در اصطلاح *inline* یا *deep linking* خوانده می‌شود. در نوع نخست ایجاد حلقه، ممکن است به مطالبی که بدون اجازه صاحب اثر در اینترنت عرضه شده است، یا به مطالبی که با رعایت کامل شرایط قانونی اعم از اجازه و غیره انجام شده باشد، لینک ایجاد شود (Jennines, op.cit: 5). هر گاه ایجاد حلقه از نوع نخست و به مطالبی باشد که بدون اجازه صاحب اثر فراهم شده‌اند، در اینکه آیا به حقوق صاحب اثر تجاوز صورت گرفته است یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد. در ایالات متحده آمریکا این اقدام، نقض حقوق محسوب می‌شود ولی به‌عنوان مثال، در کشور سوئد دادگاه در پرونده‌ای حکم به تجاوز نداده است (kristensen, op.cit: 2). در ایالات متحده در پرونده مجله ۲۶۰۰* که مجله‌ای آمریکایی است، دادگاه ضمن غیرقانونی اعلام کردن عمل مزبور، بیان کرد: قانون کپی‌رایت در رسانه‌های دیجیتالی ایالات متحده آمریکا در

* United States District Court For the Eastern District of Michigan Southern Division Ford Motor Company, v. 2600 Enterprises, et.al. Case No.01. cv. 71685. dt.

وضعیت‌های مشابه این موقعیت، این اقدامات را نقض حقوق دانسته است. هرچند که این تصمیم‌گیری بیشتر یک تصمیم‌گیری سیاسی است تا حقوقی و باید سیاست‌مداران در خصوص این مطلب تصمیم بگیرند. در این پرونده، دفاع خواننده حق آزادی بیان بود، ولی دادگاه این دفاع را قبول نکرد. در سوئد، در پرونده‌ای که شخصی برای جذب مشتری بیشتر، لینکی به سایت MP3 ایجاد کرده بود، دادگاه اعلام کرد، این عمل غیرقانونی نیست (Ibid: 24). اما هرگاه ایجاد حلقه به صورت نخست و به مطالبی باشد که به طور قانونی عرضه شده‌اند، تقریباً اتفاق نظر وجود دارد که چنین اقدامی استفاده منصفانه محسوب می‌شود؛ هرچند که می‌توان به اجازه ضمنی، که صاحب حق با عرضه اثر در اینترنت داده است نیز استناد کرد. به هر حال چنین اقدامی غیرقانونی نیست و فقط در جهت تسهیل و به‌کارگیری مؤثرتر انجام می‌گیرد و مانعی ندارد. در مورد نوع دوم لینک کردن دو بحث حقوقی مطرح شده است: یکی آنکه اقدام مزبور ممکن است موجب ایجاد اثر اقتباسی (derivative work) شود. دیگر آنکه شیوه و روشی که مؤلف برای ارائه مطالب در نظر گرفته است، تغییر می‌کند و از سوی دیگر مالکیت داشتن بر مطالب، مورد شبهه قرار می‌گیرد و زیر سؤال می‌رود (G, Peter Jr. op.cit: 291). برخی می‌گویند؛ ماهیت وب رایگان است و با عرضه اثر در اینترنت، به طور طبیعی مجوز لینک کردن داده شده است. لینک جزئی از ساختار اینترنت است و به ندرت وب‌سایتی پیدا می‌شود که به سایت‌های دیگر لینک نکرده باشد و یا از سایت‌های دیگر به سایت او لینک نشده باشد. این عمل به کاربران امکان دسترس راحت‌تر به اطلاعات و مطالب مفید را می‌دهد. در مقابل، سایت‌هایی که به آنها لینک می‌شود و خصوصاً آنهایی که فعالیت تجاری انجام می‌دهند، می‌گویند: آنها حق دارند که نحوه دسترس کاربران به سایت خود را کنترل کنند و ممکن است درآمدی که از تبلیغات می‌توانند به دست بیاورند، با لینک کردن از دست بدهند، زیرا معمولاً تبلیغات در صفحه اصلی انجام می‌شود. در ضمن، ممکن است کاربران متوجه نشوند که به وب‌سایت دیگری منتقل شده‌اند.

به نظر می‌رسد اگر لینک از نوع دوم، موجب شبهه در مالکیت اثر شود و یا منافع سایت لینک شده را فراموش کند، مبنای موجهی برای اقامه دعوا به وجود می‌آید

(Viek Sood, op.cit: 312). از آنجا که در این فرایندها از اثر، کپی برداری نمی‌شود و یا عرضه نمی‌شود، در حقوق ما مقررات ماده ۶۲ ق.ت.ا. سال ۱۳۸۲، قابل اعمال نیست؛ فقط می‌توان گفت با این فرایندها که توسط وبسایت‌ها انجام می‌شود، امکان کپی غیرمجاز (یعنی آنچه در قوانین جزایی تحت عنوان معاونت مورد تعقیب قرار می‌گیرد) برای کاربران فراهم و مهیا می‌شود. ولی به دلیل عدم وجود وحدت قصد، این نظر قابل قبول نیست و تنها در صورت ایجاد اثر اقتباسی و یا ایجاد شبهه در مالکیت، امکان تعقیب کیفری وبسایت‌ها وجود دارد و تشخیص این موارد با دادگاه است. از نظر مسئولیت مدنی، چنان‌که اشاره شد، با جمع شدن شرایط ایجاد مسئولیت، مطالبه خسارت مانعی ندارد.

چارچوب بندی: چارچوب بندی از سال ۱۹۹۶ میلادی ظهور کرد. با این اقدام سایت دیگری در داخل پنجره سایت مورد مراجعه نمایش داده می‌شود و آدرس URL و نام دامنه سایت مورد چارچوب بندی، دیده نمی‌شود. این عمل ممکن است موجب ایجاد شبهه در خصوص منبع اثر، کالا و یا خدمات شود. همچنین به دلیل ایجاد امکان تبلیغات، امکان ادعای رقابت نامشروع نیز به طور شایسته از بین می‌رود. در پرونده Future Dontics، دادگاه ایالات متحده به نقض حقوق با استفاده از فرایند مزبور حکم نداد؛ به این دلیل که کپی برداری از اثر صورت نگرفته است، هرچند که به طور غیرقانونی از مطالب مورد حمایت، اثری اخذ شده است و یا می‌توان گفت اقتباس شده است (Ibid: 313-314). در برخی نظام‌ها، چارچوب بندی، به دلیل کپی که از اثر در رایانه کاربر انجام می‌شود، نقض حقوق پدیدآورنده محسوب شده است. در آلمان، اقدام مزبور که مطابق بند ۱ ماده ۶۲ و ماده ۳۹ برای صاحب اثر شناخته شده است، نقض حق ارتباط با عموم محسوب می‌شود و در پرونده Roche Lexicon طبق استدلال مزبور، حکم به تجاوز داده شده است (Wipo, 2002: 53). به هر حال در نظام‌های مختلف راجع به این مطلب مقررات روشنی وجود ندارد و معاهدات اینترنتی واپس نیز به این موارد اشاره نکرده‌اند. به طور کلی به نظر می‌رسد، اگر شبهه در مالکیت و منبع اثر ایجاد شود، می‌توان حکم به تجاوز به حقوق معنوی مؤلف را صادر کرد. از نظر حقوق ایران، آنچه در خصوص ایجاد حلقه بیان شد در این مورد نیز جاری است.

ج. مسئولیت راساها (ISP) در نقض حقوق صاحبان آثار

فراهم‌کنندگان خدمات اینترنتی (ISP)* به دلیل فراهم کردن زمینه ارتباطات و انتقال‌ها و همچنین به دلیل اینکه شناسایی متجاوزان به آثار، در سطح شبکه‌های بین‌المللی به سادگی ممکن نیست، بیش از هرکس دیگری در معرض تهدید اقامه دعوی صاحبان حقوق، قرار دارند. در نتیجه ضروری است، با توجه به قوانین کشورهای مختلف و آرای دادگاه‌ها، حدود و شرایط مسئولیت آنان بررسی شود.

در چرخه‌ای که آثار مورد حمایت در اینترنت عرضه می‌شوند و برای کاربران قابل دسترس می‌شوند، اشخاص و مؤسساتی دخیل هستند. مهم‌ترین واسطه، رساها هستند که بدون دخالت آنها امکان دسترس به شبکه‌ها وجود ندارد. البته ممکن است در اینترنت وب‌سایتی مبادرت به تسهیل دسترس به مطالب و یا سایت‌های دیگر نماید. سؤال اینکه؛ در صورت نقض حقوق، آیا می‌توان مسئولیتی برای اشخاص واسطه قائل شد یا خیر؟ جواب این مسئله در خصوص رساها، در سایر موارد نیز قابل اجراست. بنابراین، در این بخش ابتدا نظریات مختلف حقوقی راجع به مسئولیت رسا مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس رویه قانون‌گذاری کشورهای مختلف مطالعه می‌شود. معاهدات اینترنتی وایپو یعنی معاهده کپی‌رایت وایپو (WCT) و حقوق مرتبط (WPPT)، راجع به این مطلب حکم صریحی بیان نکرده‌اند. برخی (به‌ویژه صاحبان حقوقی کپی‌رایت) می‌گویند: رساها چون مسئول فراهم کردن سریع و آسان امکان اتصال به اطلاعات هستند، انجام تجاوز در اینترنت را آسان می‌کنند. پس شایسته است که آنها را مسئول افعال اشخاص ثالث (کاربران) در مورد نقض حقوق بدانیم (Ibid: 299).

از سوی دیگر برخی معتقدند: رسا صرفاً وسیله دسترس را فراهم می‌کند و در واقع تجاوز از سوی کاربران صورت می‌پذیرد. همچنین بین اقداماتی که رسا انجام می‌دهد و ضرری که در نتیجه تجاوز حاصل می‌شود، رابطه سببیت وجود ندارد (Ibid: 300).

در ضمن برقراری مسئولیت، برای آنها موجب جلوگیری از رشد و گسترش اینترنت می‌شود (Ibid: 315). از سوی دیگر برقراری مسئولیت افعال شخص ثالث بر رسا نیز ممکن نیست؛ زیرا، اولاً فرض آن است که آنها نسبت به فعالیت تجاوزکارانه آگاه نیستند؛

* Internet Service Provider.

ثانیاً رسا از فعالیت مزبور نفع و فایده‌ای به دست نمی‌آورد. در واقع آنها مسئول کنترل رفتار کاربران نیستند و چنین وظیفه‌ای بر عهده آنها قرار داده نشده است (Ibid: 323).

شق ۲ بند ۳ ماده ۵ آیین‌نامه واحدهای ارائه‌کننده خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت رسا (ISP) مصوب ۱۳۸۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی اشعار می‌دارد: «مسئولیت رعایت قوانین مالکیت فکری و حق تألیف و تصنیف به عهده ارائه‌کننده اطلاعات در شبکه می‌باشد». شاید در ابتدای امر به نظر برسد،* منظور از «ارائه‌کننده اطلاعات در شبکه» رسا است، ولی با کمی دقت می‌توان گفت، منظور اشخاصی هستند که آثار مورد حمایت را در شبکه قرار می‌دهند. در واقع رسا ارائه‌کننده خدمات اطلاع‌رسانی است نه ارائه‌کننده اطلاعات. بنابراین، مطابق ظاهر حکم مزبور، رسا در زمینه نقض حقوق هیچ‌گونه مسئولیتی ندارند. البته این امر مانع از آن نیست که اگر رسا به طور مستقیم در نقض حقوق شرکت داشته باشد، نتوان مسئولیتی را برای آنها شناسایی کرد. اما در مواردی که آنها از فعالیت تجاوزکارانه مطلع هستند، خصوصاً جایی که صاحب اثر به آنها چنین اطلاعاتی را داده است، ایجاد مسئولیت برای آنها بعید نیست. آیین‌نامه مزبور در مورد مسئولیت آنان در مواردی همچون ایجاد حلقه و چارچوب‌بندی، ساکت است. به طور کلی باید گفت در حقوق ما، برقراری مسئولیت برای اشخاص ثالث جنبه استثنائی دارد و فقط محدود به تصریح قانون است و لازم است در این زمینه راهکاری اندیشیده شود.

در حقوق ما، در بند ۱۵ و ۱۶ ماده ۶ آیین‌نامه پیش‌گفته، تولید و عرضه فعالیت‌های تجاری و مالی غیرقانونی و غیرمجاز و خرید و فروش و تبلیغ کالاهایی که منع قانونی دارد، از طرف رساها ممنوع اعلام شده است. به نظر می‌رسد با توجه به تبصره ماده ۳۳۶ ق.م.ا. سال ۱۳۷۰ که در تعریف تقصیر، آن را به مخالفت با نظام‌های دولتی و عرف گسترش داده است، بتوان گفت: هرگاه رسا نسبت به انجام فعالیت غیرمجاز، مانند نقض حقوق صاحبان آثار مطلع باشد و در مواردی که با وجود امکان فنی از فعالیت تجاوزکارانه به آثار جلوگیری نکند، با توجه به مقررات مزبور مسئول است. در

* صرف نظر از اینکه چنین مصوباتی را قابل اجرا بدانیم یا آنها را به دلیل عدم طی تشریفات قانونی لازم‌الاجرا ندانیم، به هر حال وضعیت اینگونه مصوبات از نظر قابل اجرا بودن جای تأمل دارد.

قانون کپی‌رایت در رسانه‌های دیجیتالی ایالات متحده آمریکا، اینکه رسا در چه شرایطی مسئولیت دارد، معین نشده است و اصول عام موجود اعمال می‌شود ولی در موارد ذیل، فراهم‌کنندگان خدمات اینترنتی از مسئولیت مبرا اعلام شده‌اند: ۱. اقداماتی که در جهت برقراری ارتباط در شبکه صورت می‌دهند؛ ۲. ذخیره موقتی که از آثار توسط آنها انجام می‌گیرد؛ ۳. ذخیره اطلاعات در سیستم یا شبکه، با درخواست کاربران؛ ۴. ابزارهای جایگزین کردن اطلاعات که به وسیله آنها فراهم می‌شود (Ibid: 325).

استثنائات حقوق صاحبان آثار در محیط الکترونیکی

حق انحصاری که قانون در خصوص آثار برای پدیدآورنده می‌شناسد، مطلق نیست و استثنائاتی بر آن وارد شده است که به‌طور خلاصه می‌توان به ترتیب ذیل دسته‌بندی کرد:

الف. استفاده‌های آموزشی اعم از نقل و استناد با ذکر مأخذ، مگر در مورد جزوه‌های درسی (ماده ۷ ق.ح.ج.م.م.ه ۱۳۴۸ و همچنین ماده ۵ ق.ت.ت.ک.ن.آ.ص. ۱۳۵۲) به شرط آنکه جنبه انتفاعی نداشته باشد و از وزارت ارشاد مجوز دریافت شده باشد (همان ماده)؛

ب. استفاده شخصی و خصوصی (تبصره ماده ۵ ق.ت.ت.ک.ن.آ.ص. ۱۳۵۲ و ماده ۱۱ ق.ح.ج.م.م.ه ۱۳۴۸) بدون جنبه انتفاعی؛

ج. انتشار، به‌منظور خبررسانی و اعلان به عموم. در قوانین ما به این مورد اشاره نشده است، ولی می‌توان به ماده ۵ قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ استناد کرد که انتشار اخبار را حقوق مطبوعات دانسته است؛ یعنی می‌توانند به‌عنوان خبررسانی، بخشی از آثار مورد حمایت را در رسانه‌ها اعلام کنند ولی نمی‌توانند آثار مزبور را به‌صورت کتاب یا جزوه و... به‌طور انتفاعی استفاده کنند (جعفرزاده، همان: ۱۳۱).

د. بیشتر قوانین (Model 2: 9) در مورد حقوق مرتبط، رسانه‌های ارتباط جمعی مانند رادیو و تلویزیون را در پخش موضوعات مورد حمایت آنها در مقابل پرداخت عوضی منصفانه، مجاز دانسته‌اند. در حقوق ما این امر پیش‌بینی نشده است.

استفاده‌های منصفانه از آثار در محیط دیجیتالی برخلاف محیط فیزیکی، با چند مشکل روبه‌روست. در واقع برقراری استثنائات مربوط به حقوق انحصاری صاحبان آثار

در محیط دیجیتالی، به صورتی که در محیط فیزیکی وجود دارد ممکن نیست، زیرا؛ اولاً در محیط الکترونیکی، با عنوان مثال به صورتی که در محیط غیرمجازی می توان کتابی را از کتابخانه به امانت گرفت و مطالعه کرد، قابل اعمال نیست، زیرا استفاده از اثر مستلزم کپی برداری آن حداقل در Ram رایانه هاست؛ ثانیاً صاحبان آثار که حمایت های قانونی را برای تضمین حقوق خود کافی نمی بینند، به طور روزافزون اقدام به فروش آثار نمی کنند، بلکه فقط مجوز بهره برداری از آن را واگذار می کنند و با استفاده از قراردادهای شرایط و حدود استفاده را معین می سازند. این امر می تواند استفاده منصفانه از آثار را تحت تأثیر قرار دهد و به خطر بیندازد (Wipo, op.cit: 44).

ماده ۱۰ معاهده کپی رایت و ایپو راجع به این موضوع اعلام می دارد: اعضا می توانند استثنائات و محدودیت های حقوق انحصاری را در قوانین داخلی به محیط دیجیتالی گسترش دهند تا جایی که مخالف با مقررات کنوانسیون برن نباشد. همچنین اعضا می توانند در قوانین داخلی، نوع جدیدی از محدودیت ها و استثنائات را که مناسب با محیط دیجیتالی باشد، مورد تصویب قرار دهند. در بند ۲ ماده ۱۰ آمده است که محدودیت ها و استثنائات نباید کمتر و یا بیشتر از آن مقداری باشد که در کنوانسیون برن مقرر شده است.

در قانون کپی رایت در رسانه های دیجیتالی ایالات متحده آمریکا، استفاده منصفانه از آثار پیش بینی شده است، ولی با این حال دانشمندان این رشته معتقدند این استثنائات بسیار محدود است؛ به طوری که شخصی که یک DVD خریده است، حق ذخیره سازی و تهیه نسخه پشتیبان (backup) ندارد. حتی اگر کنار گذاشتن راهکار فنی که برای جلوگیری از تجاوز ایجاد شده است، به منظور استفاده منصفانه باشد، تجاوز به آثار محسوب شده است (Ibid: 2).

متأسفانه در قانون تجارت الکترونیکی کشور ما، فقط به شناسایی حقوق پدیدآورندگان بسنده شده است و نسبت به استثنائات وارد بر حقوق آنها، حکمی مقرر نشده است، در حالی که در معاهده و ایپو و مقررات سایر کشورها، از جمله ایالات متحده، بنا بر اصل وجود محدودیت در حمایت از آثار، استثنائات متعددی در محیط مجازی شناسایی شده است که می توان به نداشتن مسئولیت کیفری برای مراکز آموزشی در از کار انداختن تدابیر فنی حمایت از آثار اشاره کرد (Paul Edward Geller, op.cit: 355).

در ماده ۷ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب سال ۱۳۷۹، تهیه نسخه پشتیبان و همچنین تکثیر نرم‌افزاری که به طریق مجاز برای استفاده شخصی تهیه شده است [مانند خرید آن]، چنانچه به‌طور همزمان استفاده نشود، بلامانع است.

ایجاد حلقه بین سایت‌ها، اگر به صفحه اصلی سایتی باشد که ارجاع به آن صورت می‌گیرد، از سوی دادگاه‌ها به‌عنوان استفاده منصفانه محسوب شده است (Wipo, op.cit: 51; Smith, 2002: 34).

لازم به یادآوری است، تکثیر موقت آثار چنانکه توضیح آن گذشت، جزء موارد جدید استثنائات حقوق انحصاری پدیدآورندگان است که در برخی مقررات (از جمله ماده ۶۳ قانون تجارت الکترونیکی) پذیرفته شده است.

برآیندها و پیشنهادات

در محیط مجازی در زمینه حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط، عمده مباحث، در گسترش حمایت به‌صورت غیرفیزیکی آثار و ایجاد حق جدیدی که در کنار سایر حقوق مادی پدیدآورندگان بنشیند، سعی شده است. حقی که «حق برقراری ارتباط با عموم» نام‌گذاری شده است. چنانکه ملاحظه شد، معاهدات اینترنتی وایپو و قوانین و مقررات کشورهای مختلف، به‌تدریج در پی شناسایی حق مزبور برای حمایت کافی از آثار برآمده‌اند. در خصوص حقوق معنوی حساسیت بیشتری احساس می‌شود، به‌گونه‌ای که اصطلاح «اطلاعات مدیریت حقوق» که شامل اطلاعات مربوط به اثر، مؤلف و ناشر آن می‌شود نیز در کنار حقوق معنوی شناسایی شده است. افزایش مدت حمایت از آثار نیز یکی دیگر از اقداماتی است که تحت تأثیر شبکه‌های رایانه‌ای، قوانین و مقررات را تحت تأثیر قرار داده است. در واقع امکان انتقال سریع آثار به عموم، پس از پایان یافتن مدت حمایت، یکی از مهم‌ترین دلایل افزایش مدت حمایت از آثار است. سنگین کردن یک کفه ترازو یعنی سعی در حمایت از پدیدآورندگان زمانی می‌تواند همراه با عدالت باشد و به هدف حقوق مالکیت فکری از حمایت‌ها دست یابد، که به حقوق جامعه نیز توجه کافی صورت گیرد. در نتیجه چنانکه ملاحظه

شد، قانون‌گذاران در برابر ایجاد ابزارهای مانع‌کپی‌برداری و مشاهده آثار در اینترنت، از خود نرمش نشان داده‌اند و در مورد امور غیرانتفاعی، مانند تحقیقات علمی و آموزشی، معافیت از مسئولیت در مقابل شکستن قفل یا کنار گذاشتن ابزارهای یاد شده را شناسایی کرده‌اند. ظهور و عرضه اثر در سطح جهانی نیز نتوانسته است مانعی در پذیرش استثنائات و محدودیت‌های سابق وارد بر حقوق پدیدآورندگان باشد. چنانکه در ماده ۱۰ معاهده کپی‌رایت وایپو آمده است؛ تمام استثنائات موجود، باید به محیط دیجیتالی نیز گسترش یابد و حتی اعضای معاهده مزبور مجاز دانسته شده‌اند تا محدودیت‌های جدیدی به رعایت شرایط کنوانسیون برن برقرار سازند. در مورد ضمانت اجراهای تجاوز به آثار، از آنجا که محیط مجازی، شیوه‌های جدیدی را پیش روی متخلفان قرار داده است که با اصول و مقررات سنتی به سختی می‌توان آنها را تخلف از مقررات دانست، مستلزم توجه خاص قانون‌گذار و دادگاه‌هاست. ایجاد حلقه بین سایت‌ها و چارچوب‌بندی نیز، هرچند در مفهوم و چگونگی کارکرد و نقض حق محسوب شدن آنها ابهام وجود دارد، از موارد دیگری است که به بررسی مجدد و سیاست‌گذاری قانون‌گذاران در این زمینه نیاز دارد.

با توجه به مطالب پیشین، مهم‌ترین پیشنهادهایی که به نظر می‌رسد در غنای نظام حقوق ایران و اصلاحات در آن لازم است، از این قرار است:

۱. در حوزه حقوق مالکیت ادبی و هنری، حق جدیدی برای پدیدآورندگان شناسایی شود. این حق را می‌توان «حق برقراری ارتباط با عموم» نامید. حقی که به وسیله آن، صاحب اثر بتواند همان‌طور که می‌تواند از تکثیر اثر جلوگیری کند، اختیار جلوگیری از عرضه اثر در شبکه‌های رایانه‌ای و استفاده‌های غیرمجاز از آن را نیز داشته باشد.
۲. بر حقوق معنوی پدیدآورندگان، تأکید بیشتری شود. حق جلوگیری از تغییر یا حذف «اطلاعات مدیریت حقوق» به صاحب اثر اعطا شود و ضمانت اجراهای کیفری در قبال تخلفات مزبور، مقرر شود.
۳. در حوزه حقوق مرتبط، علاوه بر شناسایی حقوق اجراکنندگان و تولیدکنندگان صفحات صوتی و تصویری، در شناسایی حق عرضه برای آنها نیز تصریح ایجاد شود. به اضافه موارد مذکور در بند ۱ و ۲ در این رابطه نیز ملحوظ شود. همچنین

- در مقررات و یا آیین‌نامه‌ها، سازمان‌هایی ایجاد شوند که متکفل انجام مدیریت به نمایندگی از صاحبان آثار باشند. همچنین امکان پخش آثار آنان در اینترنت، با پرداخت عوض منصفانه، همانند رسانه‌های ارتباط جمعی فراهم شود.
۴. دایره محدودیت‌های حقوق در محیط مجازی، خصوصاً در امور غیرانتفاعی، انعطاف بیشتری پیدا کند.
۵. مدت حمایت از آثار افزایش یابد.
۶. ضمانت اجرای کیفی و حقوقی برای برداشتن و کنار گذاشتن ابزارهای فنی حمایت، مقرر شود.

منابع

أ. فارسی

۱. جعفرزاده، میرقاسم. نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۸۳-۱۳۸۴. درآمدی بر حقوق آفرینشهای فکری. جزوه درسی. دانشگاه شهید بهشتی.
۲. خلج، یوسف. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مالکیت فکری در شبکه‌های اطلاع‌رسانی الکترونیکی. به راهنمایی دکتر محمود صادقی. دفاع شده در زمستان ۱۳۸۴. دانشگاه تربیت مدرس.
۳. لنگرودی، محمدجعفر. ۱۳۸۰. مجموعه محشای قانون مدنی. انتشارات گنج دانش.
۴. نوروزی، علیرضا. ۱۳۸۱. حقوق مالکیت فکری. حق مؤلف و مالکیت صنعتی. نشر چاپار. اول.

ب. لاتین

5. Anthony Reese, Copyright and Internet Music Transactions, www.findlaw.com.
6. Chisreed and John Angel, 2003. *Computer Law*, Oxford University, first published.
7. Christopher Alan Jennings, 2002. *Fair use on the Internet*, Report for congress, CRS web.
8. Claudia Sarrocco, *Intellectual Capital in the Information Society*, www.itu.int/vision.
9. Cornish, 1999. *Intellectual Property Law Sweet & Maxwell*, Third Edition.

10. Distribution, *Master thesis Technical University of Danmark.*
11. G. PeterT Albert, Jr, 2000. *Intellectaul property in Cyberspace*, Published by BNA Books, second Printing.
12. Graham Jh Smith, 2002. *Internet Law and Regulation*, Sweet & Maxwell, Third Edition.
13. <http://ecmmerce.wipo>, 2002. *Intellectual Property on the Internet*, A Survey of Issues.
14. Inini A Stamiudi, 2002. *Copyright and Multimedia Works*, first publish, Oxford Univercity.
15. Preben Kjaer Kristensen, *Intellectual Property on the Internet*, Business Models for Music.
16. Preben Kjaer Kristensen, *Intellectual Property on the Internet*, Business Models for Music Distribution, Master thesis Technical University of Danmark.
17. Vivek sood, 2001. *Cyberlaw Simplified*, Tata McGraw, Hill publishing.